خاطره

تا همه گلوله‌هایم را شلیک نکنم ناو را ترک نمی‌کنم!

متن زیر روایتی از ناخدا دوم جانباز نادر مبارکی یکی از بازماندگان ناوشکن سهند از روز ۲۹ فروردین ۶۷ است.

عده‌ای از پرسنل در اتاق‌های ناوچه سهند گرفتار شده بودند. شهید محمود کاظمی و پزشک‌یار ناوشکن به کمک چند نفر از بچه‌ها، تعدادی از پرسنل زخمی را روی عرشه آورده و زخم‌هایشان را پانسمان کرده بودند. شهید پرهیزگار از عرشه پایین رفت تا برای یکی از دوستانش آب بیاورد. رفت و دیگر نیامد! محمود کاظمی نیز از عرشه پایین رفت تا چند نفر دیگر از حبس‌شدگان را نجات دهد ولی خودش گیر افتاد! شهید علی‌اصغر نظری که از بیمارستان برگشت و در آخرین لحظه وارد ناو شد، در بخش کنترل صدمات ناو بود. هنگامی که موشک چهارم به سینه ناو اصابت کرد، او نیز شهید شد.

هواپیماهای امریکایی که دیده بودند از سمت چپ کشتی به آنها تیراندازی می‌شود (از برد راست به دلیل محدودیت تیراندازی و به‌خاطر آنکه سلاحی روی آن نصب نشده بود، تیری شلیک نمی‌شد) بیشتر اوج گرفتند و موشک‌هایشان را از طرف راست ناو شلیک می‌کردند. بالگردهای امریکایی نیز مورد اصابت گلوله قرار گرفته بودند. قهرمانی که در ۳۵ میلیمتری پاشنه مستقر بود تا آخرین گلوله‌های سلاحش تیراندازی کرد. ناو در حال غرق شدن بود. فرمانده‌دوم ناو، ناخدا رضایی به روی عرشه آمد و از پل قایق که گذشت، با دست زد روی شانه‌ام و گفت: «نادر! بپر توی آب!» به او گفتم: «من نمی‌آیم. تا همه گلوله‌هایم را شلیک نکنم نخواهم آمد.»

دستور و اجازه ترک ناو از طرف فرمانده صادر شده بود. ناخدا رضایی رفت. تعدادی از پرسنل همچنان مانده بودند و مقاومت می‌کردند و از میان آنها کسی راضی به ترک ناو نبود. من غرق شدن ناو را به‌خوبی حس می‌کردم ولی همچنان پشت ۲۰میلیمتری اورلیکن ایستاده بودم و تیراندازی می‌کردم. عده‌ای از پرسنل که توی آب پریده بودند، از من می‌خواستند که ناو را ترک کنم و من داد می‌زدم: «من نمی‌آیم تا گلوله‌هایم را شلیک نکنم نمی‌آیم!» و بچه‌ها داد زدند: «مرگ بر امریکا» و من تیراندازی می‌کردم و امریکایی‌ها تیراندازی می‌کردند. شاید باورش برایتان سخت باشد که ناوی در حال غرق شدن باشد ولی هنوز پرسنلش مشغول فداکاری و تلاش برای نجات آن باشند.

ما ناوشکن سهند را بخشی از سرزمین ایران می‌دانستیم و به همین دلیل هم مقاومت می‌کردیم. مسئله‌ای که در این ۳۰ سال برایم جالب بود، این است که در آن لحظه حتی برای یک ثانیه هم چیزی به نام ترس در ذهنم وجود نداشت. به تنها مسئله‌ای که فکر نمی‌کردم، مردن و مجروح شدن و در آب پریدن و امکان حتمی اصابت موشک و راکت به من بود!

تیربارچی ناو سهند، مشت پولادین فرمانده ناو بود

در ذهنم به این می‌اندیشیدم که «من به‌عنوان مشت پولادین فرمانده ناو سهند، تیربارچی ناو هستم و امید همه به تیربارچی ناوسهند و سلاحش است.» اگر یک ناو، توپ و توپخانه و سلاح نداشته باشد، یک کشتی تجاری معمولی به حساب خواهد آمد.

مقاومت را وظیفه خودم می‌دانستم. دستور داشتیم و فرمان «آتش به اختیار!» صادر شده بود. درست پس از تیراندازی به هواپیماهای شناسایی، فرمانده فرمان آتش داده بود. امریکایی‌ها قسمت‌های مختلف کشتی را با موشک زدند. موشک چهارم یا پنجم به پل فرماندهی اصابت کرده بود و فرمانده و تعدادی از پرسنل مجروح شده بودند. پاهای فرمانده شکسته و ترکش خورده بود ولی فرمانده حاضر به ترک ناو نبود. پرسنل نیز حاضر به ترک ناو نبودند! یک نفر از پرسنل، جلیقه نجات به تن فرمانده کرد و او را درآغوش گرفت و انداخت توی آب و سپس دیگران کشتی را ترک کردند و سوار بر قایق نجات شده و از کشتی دور شدند.

گفت‌وگوی «جوان» با دریادار عبدالله معنوی به مناسبت ۲۹ فروردین روز ارتش و سالروز نبرد نابرابر نیروی دریایی امریکا با ۲ ناوشکن ایرانی

سبلان و سهند چون کوه در برابر دشمن ایستادند

صغری خیل فرهنگ

نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران از اوایل سال ۱۳۵۹ با توجه به تهدیدات سیاسی و عملیات نظامی رژیم بعث عراق از یکسو و تهدیدات، تحریم‌ها و تعارضات نیروهای بیگانه و به ویژه ناوگان امریکا از سوی دیگر به مدت هشت سال بدون وقفه از مرزهای آبی و منابع و منافع ملی کشورمان دفاع کرد. ۲۹فروردین مصادف است با سالروز نبرد نابرابر نیروی دریایی امریکا با ناوشکن‌های سهند، سبلان و ناوچه جوشن با ناوگان امریکا در خلیج فارس و شهادت حدود۶۰ نفر از خدمه این ناوشکن. این عملیات نظامی امریکا در خلیج‌فارس در سال ۱۳۶۷ منجر به رویارویی با نیروی دریایی ایران شد. دریادار عبدالله معنوی از فرماندهان نیروی دریایی در دوران دفاع مقدس در گفت‌وگو با «جوان» از ۲۹فروردین ماه ۶۷ و نبرد نابرابر ناوگان امریکایی در خلیج فارس می‌گوید.

کمی از خودتان بگویید. چطور وارد نیروی دریایی شدید؟

من سال ۱۳۴۸ وارد ارتش شدم. آن زمان ما در داخل کشور دانشگاه‌های دریایی نداشتیم و برای آموزش باید به کشورهای غربی نظیر امریکا، انگلستان، فرانسه یا ایتالیا می‌رفتیم و بچه‌ها به صورت گروهی برای آموزش فنی و فرماندهی به این کشورها سفر می‌کردند. من به کشور آلمان رفتم. تحصیلات پایه و اولیه ما حدود پنج سال طول می‌کشید. بعد به ایران برگشتم و برای گذراندن دوره تکمیلی دو ساله مجدد به خارج از کشور رفتم. این روند تا قبل از پیروزی انقلاب ادامه داشت. وقتی انقلاب اسلامی به پیروزی رسید من در بوشهر بودم. با پیروزی انقلاب بسیاری از آنها که وابستگی داشتند فرار کردند یا از نیروی دریایی کنار گذاشته شدند و تا قبل از شروع جنگ داستان تعدیل پرسنل اتفاق افتاد.

وضعیت نیروی دریایی در روزهای اول جنگ تحمیلی چگونه بود؟

با شروع جنگ تحمیلی، نیروی دریایی هم باید نیروهای انسانی‌اش را آماده رزم و هم تجهیزات را مهیا می‌کرد. در روزهای ابتدایی جنگ و بعد از حملات مستمر دشمن، بچه‌ها متفق‌القول تصمیم گرفتند مقابل دشمن مردانه بایستند. آن زمان تشتت آرا زیاد بود اما همگی بر این تصمیم استوار شدند. یکی از فرموده‌های امام خمینی (ره) که باعث انسجام نیروهای ما شد این بود که ایشان فرمودند: «جنگ برای ما نعمت بود.» این صحبت امام به هماهنگی و انسجام بچه‌ها منجر شد و همین هم باعث تشکیل نیروهای انسانی و در ادامه تشکیل یگان‌ها برای انجام عملیات‌ها شد. بعد از شروع جنگ تحمیلی ما به دریا رفتیم و عملیات‌های زیادی را انجام دادیم.

حضور نیروی دریایی در عملیات‌های دوران دفاع مقدس را چطور ارزیابی می‌کنید؟

تأثیر حضور نیروی دریایی در عملیات‌های دوران دفاع‌مقدس فقط منوط به کشور خودمان نمی‌شد. با توجه به حضور ما در ۱۲الی ۲۴مایلی آب‌های بین‌المللی این فقط صدام نبود که ما آنجا با آنها برخورد داشتیم. دوست و دشمن بودند. خب مشخص بود که ما فقط با خود صدام درگیر نبودیم بلکه صدام بازیچه بود و در جنگ با ایران تنها وارد میدان نشده بود. صدام با کمک کشورهای استکباری خودش را خوب آماده کرده بود. آنقدر به توانمندی رسیده بود که نیروی انسانی‌اش را در کنار رود کارون به خط کرده و آرایش نظامی داده بود. ما آنها را می‌دیدیم و احتمال می‌دادیم که خیلی زود جنگی را علیه ما آغاز کنند. اول مهرماه سال ۱۳۵۹ تکاورهای ما در دروازه‌های خرمشهر مستقر بودند و آمادگی کافی را داشتند و سیستم فرماندهی را آنجا پایه‌گذاری کردند. منطقه دوم فرماندهی، بوشهر بود. در ابتدایی‌ترین روزهای جنگ تکاوران نیروی دریایی در مقابل دشمن صف آرایی کردند. اینجا باید گفت صدامی که می‌خواست سه روزه کل خوزستان را بگیرد پس چه اتفاقی افتاد که موفق نشد به خواسته‌اش دست پیدا کند؟!

صدام بنا به دستوری که غربی‌ها به او داده بودند به خارک حمله کرد. جزیره خارک بازوی توانمند اقتصادی ما در آن زمان بود. تنها جایی که می‌توانستند نیازهای ما را در آن برهه تأمین کند، خارک بود. از این رو برای تضعیف توان اقتصادی کشور به خارک حمله کردند. تصمیم فرماندهان ما هم بر این شد وقتی آنها به خارک حمله می‌کنند ما باید به جایگاه‌های حساس اقتصادی‌شان حمله کنیم. صدام در ۱۰، ۲۰کیلومتری خاک عراق دو سکوی نفتی به نام البکر و الامیه داشت. این سکوهای نفتی در روز سه تا سه و نیم میلیون صادرات نفت داشتند. از این رو برای ضربه زدن به توان اقتصادی آنها سه عملیات بزرگ انجام شد. عملیات اشکان، عملیات شهید صفری و عملیات مروارید.

از ۲۹فروردین ماه سال ۶۷ بگویید. چه اتفاقی در آب‌های خلیج فارس افتاد؟

در حال حاضر ما شاهد رشد و پیشرفت فزاینده‌ای در زمینه تجهیزات نیروی دریایی هستیم و خواهیم بود. ما تجهیزات نظامی، بدنه کشتی، موشک‌ها و توپخانه را خودمان می‌سازیم و در خیلی از مباحث علوم دریایی در خط مقدم قرار داریم

در روزهای پایانی جنگ، عراق به بن‌بست رسیده بود و توان مقابله با رزمندگان ما را در دریا، ساحل و خشکی نداشت. نیروی دریایی متجاوز امریکا به یاری نیروهای عراقی آمدند؛ امریکا عملاً وارد جنگ شده بود. یعنی هشت سال از جنگ گذشته بود که به یکباره امریکا بدون اینکه اعلام کند که می‌خواهد با ما بجنگد، این عملیات را راه انداخت. به جرئت می‌توان گفت که یک عملیات تروریستی به تمام معنا بود. وقتی امریکایی‌ها حمله کردند نه نیروی هوایی ما خبر داشت و نه پدافند ما. ۲۹فروردین ۱۳۶۷ مصادف بود با نخستین روز ماه مبارک رمضان و روز رژه نیروهای ارتش. امریکایی‌ها از ساعت ۸صبح حملات خود را آغاز کردند و ما حدود ساعت ۹ تا ۹:۳۰ دقیقه متوجه اقدامات پلیدشان شدیم. البته باید بگویم باز صدام آنقدر مردانگی داشت که علناً اعلام جنگ کرد و گفت با تو می‌خواهم بجنگم ولی امریکا این کار را نکرد. ما حدود ۱۰ روز در دریا در کنار هم بودیم و ما هیچ رفتار خصمانه‌ای از آنها ندیدیم اما یکدفعه ساعت ۸ روز ۲۹فروردین ورق برگشت و شروع کردند به زدن سکوها و ناوهای ما.

سیاست آنها از ابتدای جنگ این بود که به دنبال بهانه‌ای بودند تا ما با امریکایی‌ها وارد جنگ شویم و تمام نیروهایمان به سمت آنها برود و صدام بتواند نیات خود را در دریا عملی کند که این اتفاق هرگز نیفتاد. اصلاً قرار نبود با امریکایی‌ها وارد جنگ شویم اما امریکایی‌ها تمام توانشان را به کار گرفتند تا با ما وارد درگیری شوند. بهانه آنها برای این اتفاق آنطور که خودشان گفتند و بعدها در کتاب‌ها و مقالاتشان نوشتند این بود که ناوچه‌شان به مینی سرگردان در خلیج فارس برخورد کرده بود و حفره‌ای در بدنه ناو ایجاد شده و ناو در آستانه غرق شدن قرار گرفته بود که البته خدمه آنها موفق شدند ضمن کنترل صدمات وارده، ناو را به بندر یدک کنند.

شما آن روز کجا بودید؟

من وقتی متوجه شدم هواپیماهای امریکایی وارد آب و آسمان ما شده‌اند در جزیره خارک بودم. قوانین بین‌المللی به آنها اجازه چنین کاری را نمی‌دهد. بنا بر این ما با آنها درگیر شدیم. دشمن امریکایی با هواپیماهایش بالای سر ما آمد. موشک‌هایشان را روی ناوهای ما انداختند. آنها از بمب‌های لیزری استفاده کردند. چون ما سیستم کشف لیزری نداشتیم. وقاحت فرماندهان امریکایی به جایی رسید که عناصر پدافندی سکوهای نفتی نصر و سلمان را در خلیج فارس تهدید کردند و از آنها خواستند سکوها را ترک کنند.

در ادامه ناوچه موشک‌انداز جوشن که در مأموریت اسکورت کاروان کشتی‌های نفتی خودی حضور داشت و نزدیک‌ترین یگان به صحنه عملیات بود بنا به دستور صادره به منطقه عملیات سکوهای نفتی نصر و سلمان رفت و در جهت امداد و نجات مدافعان سکوها اقدام کرد.

ناوچه جوشن در نزدیکی منطقه عملیات هدف جنگ الکترونیکی ناوهای متجاوز امریکایی قرار گرفت و فرمانده ناو امریکایی توسط رادیو

شهید همتی بعد از چندین عملیات موفق از جمله عملیات اشکان و شهید صفری، در هفتم آذر ۱۳۵۹ به طور داوطلبانه در عملیات مروارید شرکت کردند. وقتی کار به اتمام رسید چهار موشک به سمتشان شلیک کردند. شهید همتی همراه با دیگر همرزمانش در این عملیات به شهادت رسید

از فرمانده ناوچه خواست همراه تمامی کارکنان تسلیم شود، ولی فرمانده شجاع ناوچه، مقاومت تا مرز شهادت را انتخاب کرد و آماده مقابله با تهدیدات شد. هر چند مقابله نابرابر بود، ولی آزادی و شرف یک ملت در گرو ایستادگی و مقاومت آنها قرار داشت.

در تداوم عملیات مقابله با تجاوزگران، ناوشکن‌های سهند و سبلان از بندرعباس مأموریت پیدا کردند به صحنه عملیات بروند و ضمن انجام عملیات تجسس و نجات، اقدام به مقابله با متجاوزان کنند که در این صحنه‌ها نیز ناوشکن سهند موفق به انهدام یک فروند هواپیمای دشمن شد و خود آماج موشک‌های دشمن قرار گرفت. ناوشکن سبلان نیز دچار آسیب شد، ولی با اقدام به موقع و سریع کارکنان ناو و یگان‌های پشتیبانی منطقه یکم دریایی نجات یافت و در مدتی کوتاه بازسازی شد.

بعد از گذشت حدود ۳۰ سال از آن اتفاق، در حال حاضر آمادگی نیروی دریایی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

الحمدلله در حال حاضر ما شاهد رشد و پیشرفت فزاینده‌ای در زمینه تجهیزات نیروی دریایی هستیم و خواهیم بود. ما تجهیزات نظامی، بدنه کشتی، موشک‌ها و توپخانه را خودمان می‌سازیم و در خیلی از مباحث علوم دریایی در خط مقدم قرار داریم و از بسیاری کشورها جلو ترهستیم. ما در سیستم‌های کشف موشک پیشرفت‌های خوبی داشته‌ایم. اصلاً قابل قیاس نیست. ما می‌توانیم زیردریایی بسازیم. شما ببینید چند کشور می‌توانند زیردریایی بسازند. اگر ما به این توانمندی نرسیده بودیم تا به حال امریکایی‌ها بارها و بارها اقداماتی علیه‌مان انجام می‌دادند.

ما در کلاس‌های آموزشی‌مان اینها را به دانشجویانمان آموزش می‌دهیم و تجربیاتمان را به آنها منتقل می‌کنیم. آنها با تکنولوژی روز جلو می‌روند و در بحث سلاح، تفکر عملیاتی و تفکر راهبردی پیشرفت‌های خوبی دارند. حضرت آقا می‌فرمایند: «در نیروی دریایی راهبردی جمهوری اسلامی ایران تفکر راهبردی باید حاکم باشد.»

سابقه چنین چیزی را در گذشته نداشتیم. ما در دوران دفاع مقدس موشک ضدکشتی نداشتیم، بنابراین وضعیت سابق با اکنون قابل قیاس نیست. در زمان جنگ خوب یادم است به عنوان فرمانده شخصاً به نیروی زمینی رفتم و کاتیوشا گرفتم. برد این کاتیوشا ۲۰،۱۰ کیلومتر آن طرف‌تر است. هر جا که میل داشته باشد برخورد می‌کند. چاره‌ای نداشتیم باید از آن استفاده می‌کردیم اما امروز توانمندی‌هایمان را نگاه کنید. بنابراین ما می‌توانیم عملیات‌های دریایی‌مان را بهتر و به مراتب دقیق‌تر و بسیار سنگین‌تر اجرا کنیم.

نیروی دریایی ما مدیون شهدا و کسانی است که در نیروی دریایی ایثار کردند. اگر می‌شود از شهدای نیروی دریایی یادی کنیم؟

ما بر این عقیده استوار هستیم که نیروی دریایی‌مان بر پایه انسان‌هایی ساخته شد که بعد از انقلاب در کارشان تشکک نبود. انسان‌هایی که وارد کارزار شدند و اجازه ندادند بر پیکره نیروی دریایی خدشه‌ای وارد شود. از شما تشکر می‌کنم بهانه‌ای شدید تا از دوستان و همرزمان شهیدم یادی کنیم. از رفیق و دوست عزیزم شهید محمدابراهیم همتی. ما با هم تحصیلاتمان را گذراندیم. او فرمانده یک واحد بود و من فرمانده واحد دیگر. شهید همتی بعد از چندین عملیات موفق از جمله عملیات اشکان و شهید صفری، در هفتم آذر ۱۳۵۹ به طور داوطلبانه در عملیات مروارید شرکت کرد. در این عملیات همراه با ناوچه پیکان، اسکله‌های نفتی البکر و الامیه را به آتش کشید و مانع از صادرات نفت عراق از طریق خلیج فارس و دریای عمان شد. در پایان مأموریت، به صورت غافلگیرانه مورد هدف موشک ناوچه دشمن قرار گرفت. کشتی دشمن از ترسش زیر سکوهای نفتی البکر و الامیه پنهان شده بود. وقتی کار به اتمام رسید و بچه‌ها در حال برگشت بودند چهار موشک به سمتشان شلیک کردند. شهید همتی همراه با دیگر همرزمانش در این عملیات به شهادت رسید. ایشان انسان وارسته‌ای بود که روی خیلی از بچه‌ها تأثیر خوبی داشت.

شهید فاضل یکی از بهترین افسرهای عملیاتی ما بود که در اواخر جنگ در سبلان شهید شد. من هیچ وقت از یاد آنها غافل نمی‌شوم. می‌دانم آنها هستند و اگر رشادت این بچه‌ها و دلاوری‌شان نبود نیروی دریایی ما به سربلندی‌ها و افتخارات امروز دست پیدا نمی‌کرد. در این رویارویی نابرابر آنچه بیشتر اهمیت دارد، عزم، اراده و روحیه مقاومت و پایداری رزمندگان نیروی دریایی ارتش بود که موجب بهت و حیرت آنان شد.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۶۳۰

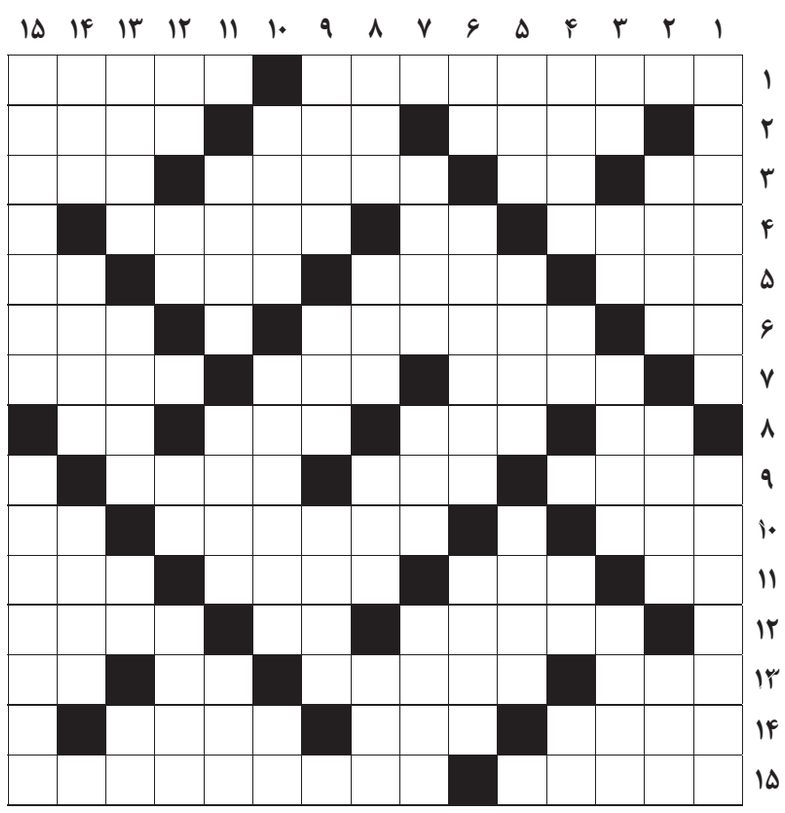

از راست به چپ

۱- کشور دوشنبه- فلسفه شیخ شهاب‌الدین سهروردی ■ ۲- نقطه شروع- خاور- پوشن فرهنگستان ■ ۳- حیوانی با شامه بسیار قوی- صدمتر مربع- از قدرت‌های اقتصادی اروپا- چین و شکن ■ ۴- آراسته و منظم- قورباغه- بازی فکری ■ ۵- رودی در روسیه- از روزنامه‌های چاپ ترکیه- گله گوسفندان- کلاه الف ■ ۶- عدد منفی- امتیاز انحصاری- صدا و آواز ■ ۷- بخشش- مکر و حیله- توانایی خواندن و نوشتن ■ ۸- مملو- فلز لحیم‌کاری- نیکش ماندنی است- فرمان اتومبیل ■ ۹- پارچه براق- اسب چاپار- سرزمین عمر مختار ■ ۱۰- اثر قیچی- کوچک‌ترین واحد شیمیایی سازنده مواد- ترک خفیف استخوان ■ ۱۱- روده تابیده- دندان نیش- دریایی در شمال ترکیه- واحد پول پرو ■ ۱۲- پست الکترونیکی- عید ویتنامی‌ها- پیرو مرشد ■ ۱۳- ترس- صاف و مسطح- شعله آتش- به دنیا آوردن ■ ۱۴- حشره کش قدیمی- جنگ و نبرد- از مچ دست تا آرنج ■ ۱۵- فساد و نابودی- برهم زدن قانون

از بالا به پایین

۱- جزیره‌ای در استرالیا- هر نوع گیاه خوراکی ■ ۲- معادل فارسی دپارتمان- تکه‌تکه- سلاح انفجاری ■ ۳- جامش معروف است- هیجان و شور و حال- نیروی نظامی هر کشور- درس نگارشی ■ ۴- خراب و دوراندختنی- حرف همراهی عرب- ساز شاکی- آوای رزمی کار ■ ۵- مات- علمی که با به کار بستن اصول و قواعد آن انسان از خطای فکر یا استدلال غلط محفوظ می‌ماند- پیک کاغذی ■ ۶- پسوند شباهت- روده گوسفند را که با گوشت و غیره پر کرده و پخته باشند- بی حد ■ ۷- دسته و گروه- همگانی- بافت لنفاوی ته حلق ■ ۸- پایه و رتبه اداری- دروازه فوتبال دارد- موشواره کامپیوتر- ایمن ■ ۹- مدارِ و سازش- نرم- واحد سنجش مایعات ■ ۱۰- حیوان بارکش- مهاجم بنام اورتون انگلیس- نیم ساعت! ■ ۱۱- قسمتی از گوش- کامل‌ترین غذای طبیعت- ایستگاه قطار ■ ۱۲- گاهی نماز را باطل می‌کند- جواب مأیوس کننده- مخترع تلفن- کبوتر سیاه و دورپرواز ■ ۱۳- برقرار و آباد- نوعی زردآلو- فرمانده بدن- راندن مزاحم ■ ۱۴- زادگاه حضرت ابراهیم- نشان افتخار- خوراک چهل قلندر ■ ۱۵- عهدنامه- همسایه اوکراین و رومانی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۷			۶	۵		۳	
۱	۶			۳		۲	۷	
۲			۸					
	۱		۲			۹		
۹		۴				۳		
		۱						۵
		۹			۷			
			۴		۲			۷

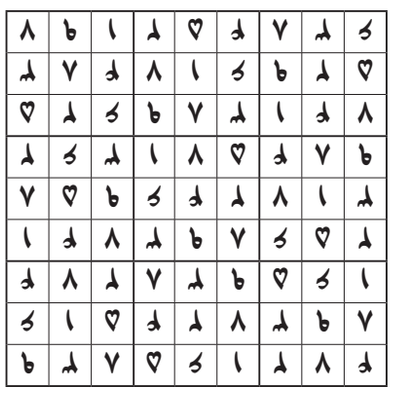

جدول کلمات متقاطع
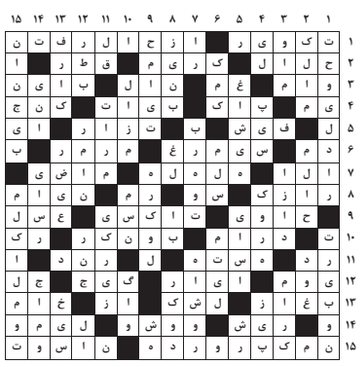
پاسخ جدول شماره ۵۶۲۹